

فهرست مندرجات

صفحه	فهرستنده	موضوع
۱	آقای سید محمود طالقانی	تفسیر سوره حمد
۵	جناب آقای ابوالحسن فروغی	حکمت و حکایات
۱۱	از طبع شادروان انسر	شعر
۱۲	آقای پروشور لویان	ایمان بخدا
۱۴	> دکتر نسوجی	تاثیرات الکل در نسل
۱۸	-	حکایات
۱۹	آقای نجفی	اسلام در برابر غرودانست
۲۴	> مهتس عدالت پور	طوفان های امواج رادبو
۲۹	-	آفتاب بزرگان
۳۰	> جمال الهین شهیدی	فرهنگ جهانگیر ایران
۳۳	عبرت تاریخی	شعر
۳۴	بهاء آذای مهتس نباش	کاشف رادبوم
۳۹	-	گزارش جهان
۴۷	-	مسابقه و جدول
۵۰	آقای ذوالفقاری	تقریحی

فهرست تصاویر

۲	برابر صفحه	تصویر کعبه
۳	>	دوره ظهور حضرت رسول (ص)
۲۸	>	امواج رادبو
۴۲	>	چنگ اقبانوس کبیر
۴۴	>	حیوه مانک کنگ

محل اداره - میدان شاهپور جنب آموزشگاه مور

بهای مجله

تک شماره ۳ ریال

۳۰ ریال	و چهار اشتراک	تهران
۳۵ >	شهرستانها	سایه
سرمدیر : م. ع. مهباری	صاحب امتیاز : ع. اکچین	

مجله

دانش آموز

سال هفتم آذرماه ۱۳۳۰ شماره دوم

اینک پس از خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

ما و قرآن

سوره حمد

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمان» (دو نمکه نازل شده و هفت آیه است)

فاتحه قرآن - زبان بندگی - رابطه خلق و خالق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین . الرحمن الرحیم . مالک يوم الدين . اياك نعبد و اياك نستعين . اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين

در این سوره مقاصد اساسی قرآن ذکر شده ؛ بهمین جهت باید مسلمانان در شب و روز چندین بار آنرا بخاطر آورده و بزبان جاری

سازند، تا بواسطه تکرار ندریجاً مقاصد عالیه اش درروح و فکر وعمل آنان متصرف شده همه را رو به يك مقصد واحدی که منظور پروردگار است سوق دهد، و از مراحل خطرناك و گردنه های دشوار زندگی آنانرا باسانی بکنند و از تاریکیهای طبیعت روبروشنی وجود کسانده درهای بهشت را هریک پس از دیگری برویانش باز نماید. نام هائی که برای این سوره ذکر کرده اند بسیار و برای توجه بهمین مقصد میباشد چنانکه یکی از نام های آن **۴۱ کتاب** است و ام بضم همزه از ام بفتح است (یعنی قصد کرد). عرب هادر را ام میگوید زیرا که تمام مقاصد بجه اوست، و همه چیز را از او امیدداشته و میخواهد. و این سوره را نیز بدانجهت ام الکتاب نام نهاده اند که گویا تمام قرآن تفصیل همین سوره است یکی از نامهای دیگرش **سبع المثانی** است یعنی هفت آیه که دوبار دوبار تکرار میشود، چون در هر نماز باید دوبار خوانده شود بنا براین در شبانه روز چندین بار تکرار خواهد شد و نماز بدون قرائت این سوره نماز نیست **لا صلوة الا بقراءة الکتاب** زیرا نماز بی ام الکتاب مانند حرکتی است بی مقصد. نقلانی. خلاصه آنکه پس از آشنائی با مقاصد قرآن بتکرار باید آن مقاصد در انسان بطوری سلطنت و حکومت نام پیدا نماید که هیچ مقصدی جز آن نتواند در اواده و قوای انسان تصرف کند و در فاصله های زندگی چون بیداری پس از خواب که در حقیقت انتقال از عالمی است به عالم دیگر باید انسان این نغمه را بتواند نادر این انتقالات مقصد را کم نکرده و قوای را که از منبع غیب نیرو و نور تازه گرفته در نزدیک شدن بان بکار اندازد.

همچنین پس از آنکه نور چهارا روشن کرد و انسان چون همه

موجودات در میدان حیات بقالیت و اصلکک در آمدن باید باآداب مخصوص بایستد و این آیات را بخاطر آورده سرزبان ادا کند تا پس از سرعت سیریکه در زندگی دنیا گرفته بوسا خود و مقاصد خلقت را فراموش نموده بهوش آید. و قوای افسرده اش را نیروی تازه بخشد و حلیه نوری بپوشد و خیالات ذنبوی بیوشاند و با این لباس چون لباس رسمی سلام حضور پادشاه وجود که جلال و عظمتش هنگام طلوع و اوج و غروب آفتاب برای اهل زمین بی حد جلوه مینماید بایستد پس درهر انتقالی از خواب بیداری و از بیداری بکار و از کار به استراحت و همچنین از بیداری بخواب باید مثل انسان يك يك و دسته دسته این سرود الهی را زمزمه کنند تا چند روز زندگی و طول آنرا با نشاط و خورسندی بپیموده خود را بدر بار حق برسانند.

الحمد لله رب العالمین همه ستایش ها چه بزبان لغت و یا تعبیر فطرت برای خداوند پروردگار همه عالم و جهانیان است که همه گویند و وسیله کمال و بقا را برسی هر موجودی از عالمهای بالا و زمین از نبات و حیوان و انسان آهاده کرده و بواسطه هدایت طبیعت و الهام غریزی بان راه نمائی نموده **الرحمن الرحیم** این دو صفت منشاء پروردگاری و تربیت است بصفّت اول جمله عالم و اساس آن بریاست و بدیوم هریک از موجودات. یا اول صفت کمالی ذاتی است و دوم صفت اضافی است که رابطه رحمت حق است با هر موجودی (**مالک یوم الدین**) مالک روز جزا است عمل و کار حرکت از انسان باختیار است نتیجه و جزا از او است تا انسانرا بروز جزای تمام که هیچ گونه عمل نیست برساند.

ایالة تعبد و ایالة نستعین بسبب یاد این صفات (پروردگاری عالمها مالکیت روز جزا رحمانیت و رحیمیت) و شعور بآن کمال مطلوب و غیر مطلق را انسان بخوبی درمیابد تشخیص داده پس باید باو گراید و بسویش متوجه شده خطاب کند که همان فقط تو را میطلبیم و بسوی تو در عبودیت میگرانیم و در این راه که بسوی تو می یوئیم همان از تو کمک میطلبیم (چون عبادت و نماز و نیاز مسلمانان جماعتی و اجتماعی است بلفظ همگانی تعبیر شده فرای اداء کردن نمازهای واجب پس از تفرق و تخریب پدید آمد) چون مقصد روشن و برای حرکت آماده شد راهنمایی براه راست را باید طلب کند **اهدنا الصراط المستقیم** برآمست که نزدیکترین راه و پس از تشخیص مقصد است ما راهنمای کن سپس برای زیادت یبیش و تقویت و عزم و اراده باید در خاطر نمونه های تام از مردان راه رو و فداکار که خداوند نعمت بیخش و عزم و محبت خلق بناها داده متذکر شد **صراط الذین انعمت علیهم راه** چنانچه مردانیکه فراوان بر آنها نعمت فروریختی (چون **انبیاء و شهداء** و صالحین) آنگاه باید متذکر مردم و مللی شد که در زندگی پست خوش گذرانی و شهوات و عیش و نوش در بستر استراحت آرمیدند تا بغضب پروردگار مبتلا شدند.

و کسانیکه براه افتادند و بسوی کمالی حرکت کردند ولی چون مقصد را تشخیص ندادند گمراه شدند و چنانچه گمراه کردند غیر **المغضوب علیهم** نه راه آفتاب و مردمی که غضب و نکیت بر آنها فروریختی **والضالین** و نه آنگاه راه را گم کردند دسته اول (المغضوب علیهم) را بیهود تفسیر کردند دوم **(الضالین)** را بصراری و سرش روشن است.

نگارش جناب آقای ابوالحسن فروغی

علم و حکمت - حقایق و کلیات

چون بسوی آفاق و انفس پرداختند و در احوال نفس خود و اوضاع گیتی بدیده تأمل دیدند عالم هستی را گنجی روی پوشیده و معمائی سر بسته یافتند و بر آن شدند تا سر این طلسم و معمائی وجود را مکشوف سازند پس توجه به بسی ثباتی احوال جهان با این نکته که در عین بی ثباتی باز جهانی برپاست در اولین قدم های کفر برایشان معلوم کرد که جمیع آثار و اشیاء عالم نسبت به مدارک ها دورو دارد یک ظاهر مختلف و ناپایدار و یک باطن مخفی و استوار و این باطن نادیده اصل حقیقی وجود است و آن ظاهر محسوس بهمان دلیل تغییر و اختلاف چیزی جز فریب نیست و از اینرو باطن بیدار را حقیقت ناهیدند و ظاهر را صورت یا مجاز خواندند و چون به مجاز باطل و گذشتنی دل بستن خطاست تنها اهتمامی را که درخور عقل و نفس انسانی باشد سعی در شناسائی حقیقت گرفته و الحقیچه بلند نظری آشکار نمودند که هنوز مدار عالم دانش است و اگر فهم ما با امور ابدی تواند رسید باید گفت تا ابد خواهد بود.

باین ترتیب حکمت از معنی پند و عبرت بشناسائی حقیقت رسید و تعریف آن شناخت حقایق اشیاء پند باین مناسبت لفظ علم هم بمیان آمد و کار آن جستجوی حقیقت یا بیرون آوردن حقایق از ظواهر اشیاء گردید اما چون حقیقت بحکم فرض بایستی وجودی ثابت شناخته شود